

## به پیشواز سالروز برآمد انقلابی شهر یور برویم! علیه زن کشی و حجاب اسلامی، علیه فقر و فلاکت اقتصادی!

### منصور حکمت: دخالت گری کمونیستی و تاکتیک و ابتکارات

بخش دوم، به مناسبت روز حکمت ۲۰۲۳

صفحه ۴

رحمان حسین زاده



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of Iran -  
Hekmatist

۱۶ تیر ۱۴۰۲ - ۷ ژوئیه ۲۰۲۳

### ستون اخبار کارگری و حرکت های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیر عسگری و آرش کلهر

### شبکه های ترور رژیم فعال شدند

ترور در کردستان عراق

بامداد امروز جمعه ۱۶ تیرماه، نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی دو عضو حزب دموکرات را در شهر "قلعه دزه" کردستان عراق ترور کردند. در این عملیات تروریستی "عادل مهاجر" مشهور به "سرباز" و "لقمان آجی" جان باختند و یک فعال سیاسی دیگر به نام "سعدی مرادپور" شدت زخمی شده است. سال گذشته در اواسط مرداد ماه نیز موسی باباخانی، عضو کمیته مرکزی این حزب به قتل رسید و جنازه وی در یکی از اتاق های هتل "گولی سلیمانی" در شهر اربیل پیدا شد. ترور امروز بنا به اظهارات رسمی اطلاعیه حزب دمکرات، طی یک دیدار دوستانه در یک گردشگاه طراحی شده بود و ضارب بلافاصله خود را به نیروهای مرزی رژیم ایران رسانده است.

ترورهای برون مرزی و بویژه ترور مخالفین و فعالین وابسته به نیروهای اپوزیسیون در کردستان عراق مسبوق به سابقه است و تنها در سالهای اول دهه هفتاد صدها نفر ترور شدند و طی دهه های بعد نیز به تناوب ادامه داشته است. این ترورها با امکانات مستقیم پایگاه ها و عناصر و جریانات وابسته به جمهوری اسلامی، یا اجبر شده و در مواردی با همکاری احزاب اسلامی محلی اجرا شدند.

ترورهای اخیر صرفاً ادامه صفحه ۲

### «نوفل لوشاتوی رضا پهلوی و داستان کمیک اپوزیسیون راست»

صفحه ۱۱

سمیرا دولتشاهی

### بی بی سی، کمیته حقیقت یاب سازمان ملل، زندانیان سیاسی در ایران

صفحه ۱۰

سیاوش دانشور

### علیه اعدام، علیه پرونده سازی

### زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

روز شنبه ۸ ژوئیه در کشورهای مختلف با ابتکار کمونیست ها و آزادیخواهان اجتماعات و میتینگ هایی در کشورهای مختلف علیه اعدام و در حمایت از توماج صالحی و عباس دریس برگزار میشود. تشکیلات خارج حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ایرانیان آزادیخواه در خارج کشور را به حضور فعال در این اعتراضات فرامیخواند!

یاد رفیق منصور حکمت گرامی است!

سیاوش دانشور

در پایان یک روز غم انگیز

رحمان حسین زاده

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## شبکہ های ترور رژیم فعال شدند ترور در کردستان عراق ...



کوچکتر اسلامی و قومی، در کنار امکانات و نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی، کردستان عراق را به یک حیات خلوت امن برای تروریستهای اسلامی بدل کرده است.

از نظر ما هر اعمال محدودیت به نیروهای اپوزیسیون، معامله

دولت‌های مرتجع با جمهوری اسلامی و تهاجم به مخالفین و اعضای سازمانهای اپوزیسیون قویاً محکوم است و ضروری است صفی قدرتمند و ضد ترور و تاجر برای حفاظت از محیط اپوزیسیون ایران شکل گیرد و همزمان تعرض رادیکالی علیه نیروهای جمهوری اسلامی سازمان داده شود. شبکه های ترور رژیم اسلامی در دوره ای که کابوس مرگ دارند فعال شده اند. شبکه های انقلابی و آزادیخواه ضد ترور و اعدام ضروری است در مقیاسی توده ای علیه رژیم اعدام و تروریسم اسلامی بمیدان بیابند و این سیاستهای از سر استیصال و وحشت حکومت را در هم بکوبند.

هدف جمهوری اسلامی در متن بحران شدید و فلج اقتصادی و موقعیت سیاسی آبدستن انفجار، تسری و تشدید فقر و اختناق و ایجاد فضای ترور و ناامنی در سطوح و آشکال مختلف، گسترش سیاست اعدام با رذیلانه ترین روشها و سناریو سازی و اعتراف گیری زیر شکنجه، با هدف فائق آمدن به اوضاع و مواجهه با "خطر" قریب الوقوع برآمد مجدد انقلابی است. دستور کار اردوی آزادیخواهی نیروهای اپوزیسیون انقلابی اینست که این فرصت را به حکومت اسلامی ندهند و معادله را معکوس کنند.

سردبیر.

۱۶ تیر ۱۴۰۲



خطی سیاست سابق رژیم اسلامی نیست، بلکه تلاشی جدید در شرایط سیاسی و انقلابی ایران است که توجه خود را روی نیروهای اپوزیسیون در متن بده و بستان با دولت‌ها و قدرتهای جهانی و رژیم های فاسد در منطقه قرار داده است. این ترورها در شرایطی طراحی و اجرا میشوند که تروریستهای محکوم شده در کشورهای غربی با رژیم اسلامی معامله میشوند و برای جمهوری اسلامی در سرکوب و ترور و اعدام در داخل و سازماندهی ترور و تاجر در خارج شرایط را تسهیل میکند. این ترورها بعد از خلع سلاح سازمانهای ناسیونالیست در کردستان عراق و طرح اسکان آنها در اردوگاه های پناهندگان صورت میگیرد. امروز بیشتر وابستگان این سازمانها در کردستان عراق به یک هدف ساده نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی بدل شدند. همکاری آشکار و پنهان احزاب حاکم در اقلیم و همینطور احزاب

## برای دفاع از توماج صالحی و عباس دریس به میدان بیایم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان  
برای دفاع از جان عزیزانی که زیر تیغ رژیم جنایت کار  
اسلامی هستند به خیابان می‌آید و همه شما انسان های  
آزادی خواه را به اعتراض فرا میخواند

زمان 08.07.23

مکان: آلمان، شهر کلن، ایستگاه اصلی قطار  
Breslauerplatz

ساعت ۱۸



شورای هاوکاری

هیزه چهپ و کومونیسته کانی کوردستان

# DEMO



## مرگ بر جمهوری اسلامی!

## به پیشواز سالروز برآمد انقلابی شهریور برویم! علیه زن کشی و حجاب اسلامی، علیه فقر و فلاکت اقتصادی!



فساد و جنایت را به گورستانی بفرستیم که از آن بیرون آمده اند.

با قتل عمد حکومتی مهسا (ژینا) امینی، زنان و مردان آزادیخواه در روز ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ روبروی بیمارستان کسری و خیابان آرژانتین تهران جرقه اولین اعتراض را با شعارهای: "ما همه مهسا هستیم"، "می کشم می کشم آنکه خواهرم کشت"، "مرگ بر خامنه ای" و "بنام دین و قانون حلال شده خونمون" را زدند. اجتماعات گسترده بعدی در سقز و مراسم خاکسپاری مهسای عزیز و حجاب برگیران دستجمعی، بشکه باروت انزجار توده ای از حکومت ضد زن اسلامی را منفجر کرد. سلب آزادی و زندگی و ضدیت با زن و پشتوانه یک تقابل قدیمی زنان با حکومت اسلامی شعار؛ "زن، زندگی، آزادی" را به صدر راند. با اعتراضات توده ای و زن محور، حجاب سوزان، ضدیت علنی و توده ای با آخوند و دستگاه دین، تقابل با فقر و گرانی و خواست برابری و رفع تبعیض، جامعه وارد یک دوره انقلابی شد. قریب ۳۰۰۰۰ بازداشتی و ۱۰۰۰ جانباخته و ترور و اعدام آزادیخواهان نتوانست اراده انقلابی را درهم شکند.

آخوندهایی که در هفت سوراخ پنهان شده بودند بعد از کاهش اعتراضات توده ای و سرکوب خشن، زبان درازی را مجدداً آغاز کردند. انتساب جنایتکار مشهوری مانند پاسدار رادان و تمهیدات حکومتی نتوانسته است سنگرهای فروریخته نظام را بازپس بگیرد. حجاب عملاً ورافتاده است و حکومت خامنه ای علیه قامت بلند انقلاب هیچ غلطی نمیتواند بکند. سرکوب حکومت با تعرض به سفره خالی دهها میلیون کارگر با دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و طرح موسوم به "برنامه توسعه هفتم" قرار است جامعه را به یک برده داری تمام عیار سوق دهد و به تمکین بکشاند. این سیاستها اجزای مکمل و واحد تقابل ضد انقلاب اسلامی با برآمد انقلابی علیه امواج آزادی و برابری است.

در این دوره دیدیم که دولتهای دمکرات برخلاف ادعاهای صوری حمایت از حرکت انقلابی کنار جمهوری اسلامی و قاتلین عزیزان ما ایستادند. دیدیم که اپوزیسیون راست با امکانات زیاد اقتضاح ببار آورد و از سپاه و نیروی سرکوب حمایت کرد و مهمتر جامعه ایران دست رد به سینه آنها زد. بیش از پیش روشن شد که ما فقط میتوانیم روی پای خود بایستیم و به نیروی خود تکیه کنیم. برآمد انقلابی تنها میتواند به نیروی انقلابی و رهبری انقلابی و سیاست انقلابی متکی شود.

**کارگران، زنان و مردان و نسل پرشور انقلابی!**

از امروز تا ۲۵ شهریور نبردهای مهمی پیش رو است. تابستان را میتوانیم و باید به پیش درآمد بیخاستن مجدد و سهمگین توده ای و انقلابی بدل کنیم. میتوانیم با ترکیب اعتراض و اعتصاب زمین را زیر پایشان داغ کنیم. میتوانیم سنگرهای جدیدی فتح کنیم و حاکمیت فقر و

فراخوان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست اینست که سالروز قتل مهسا را به روز گرامیداشت کلیه جانباختگان برآمد انقلابی و تداوم حرکت انقلابی برای تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی بدل کنیم. از امروز تا شهریور ماه باید در سنگرهای مختلفی حضور یافت. از اعتصاب و اعتراضات کارگری تا حرکات توده ای و امور سازماندهی و رهبری اجزای کار ماست. دوباره برمی خیزیم! یاد یاران را با پر کردن سنگرها و تلاش برای پیروزی گرامی میداریم! علیه زن کشی و فقر و فساد و جنایت، علیه حکومت نکبت اسلامی سرمایه میدان می آئیم!

**مرگ بر جمهوری اسلامی!  
آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست  
۹ تیر ۱۴۰۲ - ۳۰ ژوئن ۲۰۲۳

**مجمع عمومی ظرف ابراز وجود  
مستقیم و مستمر کارگران است!  
مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به هر  
نیازی برپا کنید!**

**نه قومی، نه مذهبی، هويت انسانی!**



رهبری اتحاد مبارزان کمونیست یادآور شدم، آجندای سیاسی تاکنون طرح ریزی شده ما دیگر تغییر کرد، چون گامهای مهمی را در جهت تقویت جنبش ما در پروسه طولانی مدت تر میخواستیم به دست بیاوریم، اکنون حاصل شده و لازم است، موقعیت جدید را تشخیص داد و طبق نقشه جدید و پاسخگوی این دوره حرکت کرد. همین کار را

کردند، رهبری اتحاد مبارزان کمونیست به کردستان منتقل شد و در یک ارتباط نزدیک با رهبری کومه له در پروسه زمانی پاییز ۱۳۶۰ تا شهریور ۱۳۶۲ موفق به ایجاد حزب کمونیست ایران به مثابه حزب بزرگ و دخیل در مبارزات کارگری و اجتماعی در جامعه ایران و کردستان شدند. من فکر میکنم در غیاب حضور خلاقانه و مبتکرانه منصور حکمت این نزدیکی و این اتفاق به این شکل صورت نمیگرفت.

### - منصور حکمت و جنبش مقاومت و مسئله ملی در کردستان!

یک مورد برجسته از نگرش و سیاست مبتکرانه مارکسیستی و انقلابی منصور حکمت به مباحث اولین دیدار نمایندگان کومه له و رهبری اتحاد مبارزان کمونیست در بهار سال ۱۳۶۰ در تهران برمیگردد. به نظر من و نه تنها من همه اعضای رهبری وقت کومه له و کادرهایش که همانوقت در جریان نتایج این دیدار بودند، مهم ترین تحول سیاسی در برخورد با مسئله کرد و مارکسیسم انقلابی و کومه له در این دیدار اتفاق میافتد. لذا توجه تان به روایتی که اینجا و اماتدارانه بیان میکنم جلب میکنم. شخصاً مستقیماً مباحث آن جلسه را در این رابطه گوش کردم. داستان به این شکل بود هیئت دو سازمان دیدار میکنند. بحث ها ضبط شده بود. تا آنجایی که من اطلاع دارم همراه نوار بحث ها یک نوشته مفصل از جانب منصور حکمت برای رهبری کومه له ارسال شده بود (آنوقت هنوز با این نام مشهور نبود، به کردستان آمد، ما با اسم نادر او را شناختیم). آن نوار موقعی که به دست رهبری کومه له میرسد، فوری متقاعد میشوند بحثهای خیلی راهگشا و مهم است. رهبری کومه له در سطح اعضا و پیش عضوهای آن وقت کومه له آن بحث را پخش کرد که گوش دهیم. ما جمعی از اعضا و پیش عضوهای کومه له در شهر و منطقه بوکان به دستمان رسید و گوش کردیم. در بخشی از صحبتها منصور حکمت این را مطرح کرد و گفت، "کنگره دوم، تحول مهمی است. سیاست چپ و مارکسیسم انقلابی را در پیش گرفته و این خیلی مهم است. همانجا گفت اما فرمول بندیهای قطعنامه هایتان و اسنادتان بعضی جاها نادقیق، چپ روانه و اشتباه است. از جمله مشخصاً در "قطعنامه جنبش مقاومت خلق کرد" و در برخورد با مسئله رفع ستم ملی اشتباهات جدی دارد. برای کومه له مثل "تیر به پای خود زدن" است. این جمله را به دقتی یادم است، چنین گفت. ادامه داد و گفت در قبال "جنبش مقاومت خلق کرد و مسئله ملی" شما سیاستی اتخاذ کردید و فرموله کردید که عملاً یعنی عرصه را سپردن به حزب بورژوازی کرد، حزب دمکرات کردستان و به این معنی، جاخلالی دادن به آنها و این برای کومه له مثل تیر به پای خود زدن است. آن بخش از قطعنامه کنگره دوم کومه له که مورد نقد حکمت بود من اینجا نقل می کنم. نوشته شده بود؛ "تا آنجا که به سازمان ما مربوط می شود بایستی اهمیت بزرگی را که

## منصور حکمت: دخالت گری کمونیستی و

### ناکتیک و ابتکارات

بخش دوم، به مناسبت روز حکمت ۲۰۲۳

رحمان حسین زاده

منصور حکمت و پروسه نزدیکی کومه له و اتحاد مبارزان کمونیست: - مقطع مهم و تعیین کننده ای از ابتکارات منصور حکمت نحوه برخورد سیاسی پراتیکی خلاقانه و بسیار زمینی او به پروسه نزدیکی کومه له به مارکسیسم انقلابی و اتحاد مبارزان کمونیست بود. کنگره دوم کومه له در فروردین ۱۳۶۰ رسماً سمپاتی خود را به خط مشی اتحاد مبارزان کمونیست و مارکسیسم انقلابی اعلام کرد. در مقدمه جزوه قطعنامه های مصوب کنگره دوم کومه له که در اول اردیبهشت ۱۳۶۰ منتشر شده چنین آمده است. "در پایان لازم می دانیم کوشش های ارزنده ای را که از جانب "اتحاد مبارزان کمونیست" در راه مبارزه با پوپولیسم و اکونومیسم و تثبیت تئوریک بینش پرولتری در جنبش کمونیستی ایران به عمل آمده و ما را نیز در طرد بینش های انحرافی مساعدت کرده است، خاطر نشان کنیم". بعد از این انتخاب سیاسی کنگره دوم کومه له، زمینه برای ارتباط مستقیم بین رهبری کومه له و اتحاد مبارزان کمونیست فراهم میشود. به دنبال دیدار هیئت نمایندگی رهبری کومه له و اتحاد مبارزان کمونیست در تهران اتفاق میافتد. بعد از دیدار اولیه نمایندگان دو سازمان در تهران، برای اولین بار منصور حکمت در شهریور به نمایندگی از اتحاد مبارزان کمونیست به دیدار رهبری کومه له در مناطق آزاد اطراف شهر بوکان آمد. این اتفاق مهمی بود که کومه له به مارکسیسم انقلابی پیوسته بود و اما در وهله اول بیشتر اعلام یک جهت گیری بود. هنوز نگرش و سیاست پوپولیستی و بخشا ناسیونالیستی در کارکرد رهبری و بدنه کومه له به طور جدی عمل میکرد. در نتیجه از زاویه نگرش و سیاست و ادبیات و مکتوبات سوسیالیستی هنوز فاصله جدی با سازمان کمونیستی روشن بین وجود داشت. این وضعیت میتوانست مانع جدی نزدیکی این دو سازمان باشد. اما نحوه برخورد منصور حکمت به اهمیت نزدیکی این دو سازمان نه صرفاً از روی نگرش مخدوش و نوشته ها و فرمولبندیهای نادقیق در ادبیات سیاسی آن مقطع رهبری کومه له، بلکه از منظر اجتماعی و از زاویه تسهیل قدرت گیری چپ و کمونیسم در ایران و با تشخیص وجود زمینه قوی برای ایجاد تغییر در نگرش التقاطی آن دوره و مهیا کردن شرایط ایجاد حزب کمونیست ایران برخلاف خیلی ها در صفوف نیروهای چپ و حتی در خود اتحاد مبارزان کمونیست، برخورد خلاقانه سیاسی به موضوع داشت. حکمت کتبا نوشت که بارها پاسخ این ایراد را که میگفتند کومه له هنوز یک "سازمان دهقانی" است، داده ام و یادآور شدم پیوستن کومه له به مثابه یک سازمان سوسیالیست توده ای و مسلح، آن زمان در موقعیت رهبری قطب چپ جنبش مقاومت در مقابل جمهوری اسلامی علیرغم محدودیتها و ناخالصیهای نظری و سیاسی و سبک کاری بسیار اهمیت دارد. میگفت با چرخش کومه له به طرف مارکسیسم انقلابی، به

## منصور حکمت: دخالت گری کمونیستی و

### تاکتیک و ابتکارات

بخش دوم، به مناسبت روز حکمت ۲۰۲۳...

این مساله را هم حسین مرادیگی (حما سور) و هم ابراهیم علیزاده از رهبران وقت کومه له در کتابهایی که منتشر کردند، اشاره کردند. که از هر کدام نقل قول میاورم.

رفیق حسین مراد بیگی (حما سور) به این شکل نوشته: "منصور حکمت نگرش ما را نسبت به جنبش دموکراتیک از موضوع پرولتاریای سوسیالیست نقد کرد. و گفت طبقه کارگر و سازمان سیاسی او به عرصه مبارزه دموکراتیک بی ربط نیست. زیرا مبارزه برای آزادی های دموکراتیک بخشی جدایی ناپذیر از مبارزه پرولتاریا برای رسیدن به قدرت سیاسی است. میگفت طبقه کارگر باید پشتتاز مبارزات دموکراتیک نیز باشد و کومه له با کم رنگ کردن آن در قطع نامه های خود مرتکب اشتباه می شود و به لحاظ سیاسی ضرر می کند. نقد اصلی تر منصور حکمت در این قطع نامه سر مساله ملی بود که کنگره دوم گفته بود، مسئله ملی در سوسیالیسم حل می شود. منصور حکمت آن را نقد کرد و می گفت این موضع هم به لحاظ تئوریک غلط است هم به لحاظ عملی کومه له را غیر دخالت گر می کند". ابراهیم علیزاده در کتاب دوجلدیش که نژدم هست، در صفحه ۱۶۶ که به زبان کردی است و من مستقیماً ترجمه اش می کنم اینجوری نوشته است: "جوهر نقد منصور حکمت این بود که کنگره دوم کومه له تا جایی که خودش را از افکار مانوئیستی و پوپولیستی نجات داده، کنگره ای پیشرو بوده، اما در عین حال نتوانسته راه حلی برای محکم کردن رابطه بین کومه له و جنبش توده ای در کردستان را پیشنهاد کند. منصور حکمت از ما که در کردستان بودیم بیشتر به مسئله ملی اهمیت داده بود و از ما بیشتر حتی بازمانده های عقب ماندگیهای نظام فئودالی را برای حل مسئله زمین دیده بود و برای مساله ارضی هم راه حل نشان داده بود و او به این شکل کمیته مرکزی کومه له را از یک مخاطره ای که نوعی چپ روی را دامن میزد برحذر کرده بود. ما را مطلع کرد و هشدار داد ما با آن نقدها قانع شدیم و با عجله کنفرانس ششم کومه له را چند ماه بعد برگزار کردیم و اسنادمان را تدقیق کردیم". این هم قضاوت دبیر اول تاکنونی کومه له در این مورد است.

نتیجه گیری من این است منصور حکمت با این برخورد تیزبینانه، واقعیتش اینست هشدار بزرگی را به سازمان کومه له داد و مانع شد این سیاستهای غلط به لحاظ تئوریک و نظری و پاسفیسستی و غیر دخالتگر به لحاظ عملی در پیش گرفته شود. برای کومه له که درگیر در یک جنبش سیاسی توده ای و درگیر جنبش رفع ستم ملی بود، اگر آن سیاستها که در کنگره دوم کومه له فرموله شده بود، جنبه اجرایی پیدا میکرد، به نظرم ضربه سنگینی به سازمان چپ و کمونیستی کومه له وارد میشد. آن سازمان به طرف حاشیه ای رفتن می رفت و به نظرم به آسانی نمی توانست جای پای خود را در جنبش سیاسی و اعتراضی کردستان محکم کند. شاید گفته شود، عاقبت این سیاستهای اشتباه اصلاح میشد، به نظرم در غیاب نقدهای حکمت بسرعت این اتفاق نمی افتاد و ضربه خود را میزد. این را هم اینجا تاکید کنم، اینطوری نبود که بقیه اعضای رهبری اتحاد مبارزان این تیزبینی را داشتند و این نوع نقد حکمت را مطرح میکردند. تجربه آنوقت و بعداً هم نشان داد، بخش عمده سیاستهای تحول بخش که بنام اتحاد مبارزان کمونیست مطرح میشد، طرح و سیاست منصور حکمت بود. به نظرم چنانکه نقدها و سیاستهای منصور حکمت مطرح نمیشد، آن سیاستهای غیر دخالت گر، بی

صفحه ۶

جنبش مقاومت در امر کسب دموکراسی و مبارزه طبقاتی پرولتاریای ایران و در صحنه کنونی دارد درک کنیم. از آن پشتیبانی نموده و فعالانه در آن شرکت کنیم و بکوشیم تا صف مستقل دموکراسی پیگیر را هرچه بیشتر تقویت نماییم. در همان حال باید محدودیتهای آن را بشناسیم. پرولتاریای آگاه نمیتواند سرنوشت خود را به یکی از مقاطع و عرصه های انقلاب دموکراتیک وابسته کند. ما نیایستی جنبش مقاومت را به مثابه عرصه نبرد مرگ و زندگی برای خود درآوریم، بلکه باید در هر حال ادامه کاری خود را به مثابه سازمان پرولتاریایی در نظر داشته باشیم."

منصور حکمت نتیجه گرفته بود، این فرمولبندیها حاوی سیاست غیر دخالتگر و به پاسیفیسم منجر میشود! واقعیت اینست این نوع فرمولبندی های افراطی و نوعی مرزبندی سطحی با پوپولیسم عملاً به پاسیفیسم منجر شده بود. به طور عینی برای کادرها و اعضای مثل ما که آن وقت درگیر بودیم، بعد از کنگره دوم کومه له با نوعی بی عملی تحت نام اینکه جنبش مقاومت تمام عرصه زندگی ما نیست! ما با پوپولیسم مرزبندی کردیم، اتفاق افتاده بود. اعضای امانتدار و شاهدان زنده آن وقت میتوانند گواهی بدهند که چنین شده بود. زمانی که این شنیده شد، آن جمعی که گوش میدادیم به حدی برایمان جالب و بحثهای مهم و تغییر دهنده ای بود که سراپا گوش شدیم و یکی دوبر نوار را تکرار کرده و این تکه بحث را گوش کردیم و فوری با آن توافق داشتیم. قطعنامه های کنگره دوم در یکجای دیگر هم یک ایراد اساسی داشت. در برخورد به رفع ستم ملی که اینجا نقل می کنم، در تکه پایانی این سند یا آن قطعنامه در بند ج این را میگوید: "ایران کشوری است کثیرالمله. رفع ستم ملی به طور نهایی به صورت حق تعیین سرنوشت برای خلهای تحت ستم ایران فقط با تحقق برنامه سوسیالیستی پرولتاریا امکان پذیر است". یک نقد جدی تر منصور حکمت این بود گفته بود که شما هیچ راه حلی برای رفع ستم ملی ندارید و حواله اش دادید به تحقق سوسیالیسم. تاکید کرده بود این حکم به لحاظ تئوریک غلط است. چون در چهارچوب همین نظم سرمایه داری اتفاقاً مسئله ملی به قول ادبیات آن دوره مثل خیلی از مسائل دموکراتیک دیگر می تواند جواب بگیرد و می تواند راه حل برایش وجود داشته باشد. گفته بود شما که این را حواله میدهید به سوسیالیسم، یعنی الان برنامه ای برایش ندارید. پاسیفیسم و بی عملی پیشنهاد می کنید. میدان را خالی می کنید، تا حزب بورژوازی کرد با طرح خود مختاری یا هر چیز دیگر مردم را حول طرح بسیج کند. این نقدها و نوار و نوشته آن وقتی به دست رهبری کومه له میرسد، با استقبال روبرو شد. با سمپاتی در میان اعضا و پیش عضوها پخش کردند. این مسئله آنقدر برایشان مهم بود، فراخوان یک کنفرانس ویژه را دادند. سه یا چهار ماه بعدترش به هر حال در شهریور ۱۳۶۰ کنفرانس ششم کومه له تحت تأثیر این نوع نقد و پیشنهادات منصور حکمت برگزار شد. این اسناد در آن کنفرانس اصلاح شدند و حتی اسناد کاملتر و جامع تری من یادم هست ارائه کردند.

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!

## منصور حکمت: دخالت گری کمونیستی و

### تاکتیک و ابتکارات

بخش دوم، به مناسبت روز حکمت ۲۰۲۳...

پاسخی برای مسأله ملی و نهایتاً منزوی شدن کومه له در کردستان پیش می رفت و بقول منصور حکمت صحنه به تمام معنای برای حزب بورژوازی کرد خالی می شد. برخلاف پروپاگاندا مخالفان و دشمنان منصور حکمت حتی سر مسئله ملی منصور حکمت به داد کومه له رسید و نقش نجات دهنده و منحصراً بفردی را ایفا کرد.

#### کنگره سوم کومه له و نقش منصور حکمت!

کنگره سوم کومه له هم مقطع مهمی از ارائه دیدگاه های سیاسی و پراتیکی منصور حکمت است. کنگره سوم کومه له در اردیبهشت سال ۱۳۶۱ در مناطق آزاده شده کردستان در منطقه کوهستانی و جنگلی و خوش آب و هوایی به نام "به رده سور" (سنگ سرخ) در نزدیکی شهر سردشت برگزار شد. شخصا برای اولین بار از طرف اعضای تشکیلات ناحیه بوکان به عنوان یکی از دو نفر نماینده برای این کنگره انتخاب شدم و در آن حضور داشتم. کنگره سوم کومه له در سطح ماکروی سیاسی با دو مسئله محوری روبرو بود، که لازم بود به آن پاسخ دهد. اولی تسهیل پروسه تشکیل حزب کمونیست ایران و در قدم اول تصویب برنامه حزب کمونیست و دوم پاسخ گویی به مسائل مهم و گری در جنبش سیاسی و توده ای در کردستان و ارائه خط مشی و پلاتفرم های منطبق با مبارزات گسترده در قبال آنها در کنگره سوم. بقول منصور حکمت که در بحث تاریخ شفاهی اتحاد مبارزان اشاره کرده، آن کنگره مهمانان مختلفی داشت. از جمله دبیر کل اتحادیه میهنی کردستان جلال طالبانی که بعد از سقوط صدام حسین دو دوره رئیس جمهور عراق شد، نمایندگان کومه له ره نجران کردستان عراق، شیخ عزالدین حسینی شخصیت سیاسی و مذهبی مطرح در آن دوره جنبش مقاومت کردستان، آلالی رزگاری کردستان ترکیه و هیئت رهبری اتحاد مبارزان کمونیست و شخص منصور حکمت. هریک از اینها مهمانی عادی و تشریفاتی نبودند. هر کدام دستور کار و جهت سیاسی خاصی برای تاثیر گذاری در آن کنگره داشتند. واقعبینان اینست به ویژه جلال طالبانی و شیخ عزالدین حسینی جهت سیاسی شان این بود که رهبری کومه له را قانع کنند، هر چند چپ و کمونیست هستند، اما به طرف ایجاد حزب کمونیست ایران نروند و پای تصویب برنامه حزب کمونیست ایران نروند و قبل از کنگره این فشار سیاسی را در آن دوره داشتند و به این معنی رهبری کومه له زیر این فشار بود. در طرف مقابل اتحاد مبارزان کمونیست از قبل و در آن کنگره جهتش این بود، رهبری کومه له سریعتر به طرف ایجاد حزب کمونیست ایران و تصویب برنامه کمونیستی برود. طبعاً هر کدام استدالات خود را داشتند. پخته بحث طالبانی و شیخ عزالدین حسینی این بود، پیوستن کومه له به یک حزب سراسری کمونیست، کومه له را از جنبش ناسیونالیستی و ملی دور میکند و نگرانیهای واقعی بود. منصور حکمت در نوبت خودش در آن کنگره سخنرانی بسیار موثر و

کارسازی را ارائه کرد. متن آن سخنرانی هم اکنون در سایت منصور حکمت منتشر شده و علاقمندان را به مطالعه آن توجه میدهم. در اینجا من به مواردی از آن سخنرانی بر می گردم. از آن نقل میکنم و بعداً توضیح بیشتری در موردشان میدهم. منصور حکمت در شروع صحبتهايش از جانب اتحاد مبارزان کمونیست این را گفت: "ما معتقدیم کنگره سوم بطور کلی باید دو سمت گیری مهم داشته باشد. اول در قبال جنبش مقاومت کردستان و پاسخ به مسائل میرم این جنبش. دوم در مقابل جنبش کمونیستی و انقلاب ایران بطور کلی. به نظر ما موفقیت کنگره سوم کومه له با توجه به پاسخگویی به این دو سمت گیری اساسی قضاوت می شود."

در مورد مسائل مبرم جنبش مقاومت کردستان یک تکه بحث مفصل به مسئله حاکمیت در مناطق آزاد کردستان و دخالت دادن شهروندان در سرنوشت خودشان در مناطق آزاد شده بود که عمدتاً روستاها و مناطق آزاد شده روستایی بود، چون شهرها همه به کنترل رژیم درآمده بود. بر حاکمیت شوراها در آن مناطق در جهت بهتر کردن شرایط زندگی مردم تاکید داشت. این بحث مفصلتر است، علاقمندان میتوانند به آن مراجعه کنند. بخش دوم بحثش که در آن کنگره بیشتر تأثیر گذاشت و توجه را جلب کرد، ارائه نظراتش در قبال جنبش رفع ستم و حل مسئله ملی در کردستان بود. اینجا پاراگرافی که خیلی گویاست، نقل میکنم: "لازم است یکبار دیگر بر موضع کمونیست های انقلابی ایران بطور کلی و به ویژه به موضعی که کمونیست های خارج کردستان باید در قبال مسئله ملی در کردستان داشته باشند، تاکید کنم. ما بعنوان یک سازمان و همه لنینیستها بعنوان یک وظیفه همیشه از حق ملل در تعیین سرنوشت خویش به آزادانه ترین وجه از جمله با جدائی و تشکیل دولت مستقل دفاع کرده ایم. ما میگوییم این حق ملت تحت ستم است که آزادانه تصمیم بگیرد که چگونه می خواهد زندگی کند، حتی اگر خواهان جدائی باشد ما از این حق دفاع می کنیم. از این حق دفاع می کنیم معنی مشخصی دارد. معنایش اینست که ما در مقابل هر نیرویی که بخواهد این حق را از ملت سلب کند، عملاً می ایستیم. جنبش کمونیستی ایران موظف است با رژیمی که جنبش انقلابی خلق کرد را در مبارزه برای رفع ستم ملی و تعیین سرنوشت خویش در کردستان سرکوب می کند، مبارزه عملی بکند و نه صرفاً لفظی". در این سخنرانی خیلی روشن و با تاکید بالا، دیدگاه سیاسی و راه حل را که در برخورد با مسئله ملی و برای پایان دادن به ستم ملی از جانب کمونیستها لازمست، بیان میکند.

درست بیاد دارم بعد از سخنرانی حکمت بازتاب موثر آن در همان سالن کنگره قابل مشاهده بود. همه حضار و حتی همین مهمانان ملی گرا و ناسیونالیست از جمله طالبانی و شیخ عزالدین حسینی نمی توانستند با این بحثها مخالفت داشته باشند. تازه کسی مثل طالبانی بحث های حکمت را در برخورد به مسائل کردستان و ملی تایید کرد.

در نتیجه تا آخرین لحظه ها که ما و شخص منصور حکمت در رهبری حزب کمونیست ایران و کومه له با اتوریته و نفوذ کلام بالاحضور داشت، راه حل منسجم سیاسی و به هم پیوسته را برای حل مسئله کرد نشان داد. آن وقت رهبری وقت حزب کمونیست و کومه له ظاهراً با راه حل کمونیسم کارگری و منصور حکمت مشکل نداشتند. \*

ادامه دارد ...

**برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!**



## ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

**تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر**

اعلامیه خبری،

### تجمع بازنشستگان مجتمع مس

اعتراض به خصوصی سازی صندوق بازنشستگی و غارت مس سرچشمه!

بکار گرفته می شوند. غدیر خسروی جهت نصب تجهیزات فولادسازی نیروی پیمانکار را فقط از ایران استخدام می کند. اما این استخدام تنها نام استخدام را داشته است و هیچ نسبتی با استانداردهای جهانی قرارداد ندارد.

این قراردادها هیچ ضمانت اجرایی در ایران ندارد و قابل پیگیری نیست. کارفرمایان پیمانکار به هر بهانه ای می توانند سی روز حقوق کارگر را بالا بکشند و گاهی این اتفاق به بهانه های واهی رخ می دهد. کارگران در قرارداد متعهد می شوند که هیچ پیگیری حقوقی نکنند و از خود سلب شکایت می کنند و کارفرما هر زمان که خواست می تواند کارگر را اخراج کند. ضمن اینکه ساعت کار مشخص نیست. اگر برای کارگر حادثه ای رخ دهد و کارفرما تشخیص دهد که کارگر مقصر است، هیچگونه مسئولیت قانونی و یا عرفی در قبال کارگر ندارد.

جمهوری اسلامی به عنوان یک رژیم سیاسی موظف است حقوق قانونی کارگران برای کار چه در داخل و چه در خارج کشور را مطابق کنوانسیون های بین المللی کار تضمین کند اما چنین چیزی در عمل هرگز رخ نمی دهد.

### حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۵ تیر ۱۴۰۲ - ۶ ژوئیه ۲۰۲۳

### تداوم اعتراض کارگران شرکت نیشکر هفت تپه

روز دوشنبه ۱۲ تیرماه ۱۴۰۲، کارگران رسمی شرکت نیشکر هفت تپه برای چندمین بار نسبت به عدم اجرای صحیح و بازنگری طرح طبقه بندی مشاغل مجدداً تجمع اعتراضی برگزار کردند. در این تجمع کارگران تاکید دارند تا زمان حصول نتیجه به تجمع اعتراضی خود ادامه خواهند داد. این کارگران در روز سه شنبه و چهارشنبه ۱۳ و ۱۴ تیرماه نیز ابتدا در مقابل دفتر مدیریت شرکت تجمع برپا نموده و سپس دامنه اعتراض خود را به داخل دفتر مدیریت امور اداری شرکت کشانده و خواستار رسیدگی فوری به خواسته های خود شدند و اعلام نمودند چنانچه تا پایان هفته جاری اقدامی در مرتفع نمودن مسائل و اختلافات مورد بحث و نظر صورت نپذیرد، روز شنبه تجمع اعتراضی خود را در مقابل استانداری خوزستان برپا خواهند نمود.

### تجمع راهبران خط پنج مترو تهران

روز دوشنبه ۱۲ تیرماه ۱۴۰۲، جمعی از راهبران خط ۵ مترو تهران در اعتراض به بندهای ضد کارگری برنامه هفتم توسعه درمورد بندهای مربوط به مشاغل سخت و زیان آور دست به تجمع زدند. با

صفحه ۸

بنا به خبر دریافتی، بازنشستگان مجتمع مس سرچشمه در تاریخ نهم تیرماه، برای تمام اعتراضات و حرف های شنیده نشده کارگران، مقابله با چپاول صندوق بازنشستگان و اعتراض به واگذاری این صندوق کوچک به یک صندوق خصوصی، از صبح آن روز درب کارخانه را بستند. نماینده دولت در شهر رفسنجان استان کرمان در حالی به نماز ایستاد که حتی در جلسه واقع در مسجد حرف های نماینده بازنشستگان مس را هم نشنید. به بهانه حضور وی در روز جمعه، از صبح بازنشستگان در جلوی درهای اصلی کارخانه تجمع کردند.

صندوق بازنشستگان مجتمع مس سرچشمه که به صراحت طبق ماده ۷ اساسنامه صندوق، یک موسسه غیرانتفاعی و دایر به سرمایه بازنشستگان است، به بهانه ای واهی در حال واگذاری به دولت است. شرکت ملی صنایع مس که خصوصی شده، نهادی در زیر دست دارد که به خاطر سرمایه سهام دارانش، نهادی دولتی تلقی شده و توسط دولت غارت می شود. صندوقی که بیش از ۵۰ درصد از سهام آن متعلق به بازنشستگان است چگونه دولتی تلقی می شود و مشمول ماده ۱۷ قانون تجمیع صندوق های بازنشستگان می شود!

این صندوق با بیش از پنج هزار و پانصد نفر عضو قرار بود که توسط دولت، بودجه ی کمی دریافت کند؛ اما حال یکسره بلعیده می شود و به انواع و اقسام صندوق های بازنشستگان ورشکسته مثل معلمان و مخابرات می پیوندد. دولت قصد ندارد به اعتراض برحق بازنشستگان زحمتکش پاسخ دهد بلکه می خواهد فقط منبعی از سرمایه را به بهانه های مختلف بلعد. پیام بازنشستگان و کارگران شاغل این است که جمهوری اسلامی باید فوراً از خصوصی سازی صندوق ها و حذف تعهدات دولت در قبال بازنشستگان دست بکشد!

\*\*\*

### استثمار و برده داری نوین کارگران پروژه ای این بار در خارج ایران

بنا به خبر دریافتی، بهره کشی ظالمانه از کارگران پروژه ای به مرزهای ایران محدود نشده و در خارج ایران و پروژه های برون مرزی نیز بطور مضاعف دنبال میشود. این بار در گروه فولاد بصره و پیمانکاری فردی به نام خسروی، کارگران بدون تعهد با مزد نازل

**کارگر، معلم پیاخیز، برای رفع تبعیض!**

## ستون اخبار کارگری

### و حرکتهای اعتراضی ...

درخواست ۱۸۰ کارگر اخراج شده شهرداری جیرفت برای بازگشت به کار

از ابتدای خرداد ماه سال جاری با تصمیم شهردار سابق حدود ۱۸۰ کارگر خدماتی بیکار شده‌اند. آنان از شهردار جدید خواستار رسیدگی به مشکل و بازگشت به کار هستند. کارگران از بی‌توجهی شهردار سابق و اعضای فعلی شورای شهر جیرفت به وضعیت اشتغال کارگران بیکار شده انتقاد کردند و گفتند: شهردار سابق و اعضای شورای شهر جیرفت به خواسته بازگشت به کار و مشکلات معیشتی کارگران اهمیتی نمی‌دادند و حتی چندین‌بار با امید حمایت اعضای شورای شهر به دفاتر آنان مراجعه کردیم اما هیچ نتیجه‌ای نگرفته‌ایم. آن‌ها با بیان اینکه ما ۱۸۰ کارگر، قربانی اختلافات مدیران شهرداری و دو دستگی آن‌ها شدیم گفتند: وضعیت معیشتی‌مان خوب نیست و برای تامین مخارج زندگی در مانده شده‌ایم. از شهردار جدید می‌خواهیم هر چه سریعتر نیروهای بیکار شده شهرداری را به کار سابقشان بازگرداند.

#### تجمع اعتراضی کارکنان نظام بانکی کشور مقابل مجلس

روز سه‌شنبه ۱۳ تیرماه ۱۴۰۲ جمعی از کارکنان نظام بانکی کشور مطابق اعلام قبلی و در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان مقابل مجلس اقدام به تجمع کردند که با ممانعت نیروهای امنیتی و انتظامی روبرو شده و تجمع آنان در میدان بهارستان مورد حمله قرار گرفت.

#### تجمع اعتراضی بازنشستگان در استان ها

روز یکشنبه ۴ تیرماه بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی شوش، کرمانشاه، گیلان، اهواز در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی، وضعیت بد درمان، اعتراض به تورم و گرانی و عدم رسیدگی به مشکلاتشان مجدداً دست به تجمع زدند.

#### تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات استان ها

روز دوشنبه ۱۲ تیرماه، جمعی از بازنشستگان منطقه مخابراتی خوزستان، خراسان رضوی، کردستان، هرمزگان و کرمانشاه در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی و رفع مشکلات بیمه درمانی مجدداً مقابل ساختمان شرکت مخابرات این استان ها دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

#### تجمع اعتراضی بازنشستگان کشوری

روز سه‌شنبه ۱۳ تیرماه ۱۴۰۲ جمعی از بازنشستگان کشوری کرمانشاه، قزوین، سنندج، اردبیل و یزد، در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مقابل صندوق بازنشستگی کشوری دست به تجمع زدند.

تداوم صدور احکام فله‌ای تعلیق دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه کامیاب رحمانی، دانشجوی تربیت بدنی، علی سعدی، دانشجوی مهندسی کامپیوتر، سعید ایران‌نژاد، دانشجوی کامپیوتر، علیرضا نادری، دانشجوی نفت، محمد مرادی و رامین حبیبی دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه هستند که توسط کمیته انضباطی محکوم شده‌اند. پنج تن از دانشجویان به اتهام حضور در "اعتراضات" به دو ترم

توجه به نظر کارشناسان HSE و کمیته استانی، شغل راهبری قطارهای مترو جزو مشاغل سخت و زیان آور محسوب گردیده است. قرار گرفتن در معرض برق فشار قوی، آلاینده های محیطی، آلودگی صوتی، ارتعاشات و کار در تونل آسیب های متعددی به بینایی، شنوایی، ریه، پوست و ستون فقرات راهبران وارد می کند؛ علاوه بر این آسیب ها استرس ناشی از پوشش به موقع حرکت ها و بعضاً تجاوز به حریم ریلی (خودکشی) روح و روان راهبران را آسیب پذیر نموده است. بر اساس بند (ب) تبصره ۲ ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی افرادی که ۲۰ سال متوالی در کارهای سخت و زیان آور اشتغال داشته باشند؛ با احتساب هر سال سابقه معادل ۱/۵ سال بازنشسته خواهند شد.

طبق بندهای (د) و (ذ) ماده ۲۹ فصل ۵ لایحه برنامه هفتم توسعه سنوات ارفاقی در مشاغل سخت و زیان آور برای هر سال ۱/۲ برابر و حداکثر هفت سال خواهد بود از طرفی حداقل سن لازم برای بازنشستگی در این مشاغل برای مردان پنجاه سال است؛ لذا اکثر راهبران بجای ۲۰ سال ۲۶ سال و کسانی که از ۲۰ سالگی مشغول به کار شده اند ۳۰ سال باید کار کنند. این مورد فرسایش جسمی و روحی راهبران را افزایش داده و باعث کاهش ایمنی در حمل و نقل مسافران خواهد شد. از طرفی بند (ژ) لایحه مذکور، متوسط حقوق ۵ سال آخر بیمه پردازی را به عنوان مستمری بازنشستگی تعیین نموده که برخلاف قانون کنونی (میانگین ۲ سال آخر) می باشد و باعث کاهش مستمری بازنشستگی خواهد شد. لذا راهبران قطارهای مترو به همراه سایر کارگرانی که در مشاغل سخت و زیان آور اشتغال دارند درخواست حذف بندهای (د)، (ذ) و (ژ) ماده ۲۹ فصل ۵ لایحه هفتم توسعه را دارند.

#### اعتراض کارگران جایگاه های CNG شهرستان شوش

دو جایگاه سی ان جی بوعلی و سلمان فارسی شهرستان شوش متعلق به شهرداری این شهرستان و دارای حدود ۱۵ کارگر است. به گفته کارگران جایگاه بوعلی، آنها از آبان ماه سال قبل تاکنون فقط یک ماه حقوق دریافت کرده‌اند. این کارگران می‌گویند: بعد از تغییر پیمانکار، دریافت معوقاتِ مزدی ما از پیمانکار سابق بلا تکلیف مانده و از طرفی پیمانکار فعلی می‌گوید پرداختِ حداقل حقوق وزارتِ کاری برایش به صرفه نیست! کارگران جایگاه سلمان فارسی نیز با مشکل تأخیر در پرداختِ حقوق مواجه هستند. این کارگران چند سال سابقه‌ی کار دارند و کار با پیمانکار برای آن‌ها مشکلات بسیاری ایجاد کرده است. آن‌ها خواستار بستن قرارداد مستقیم با شهرداری و حذف پیمانکار هستند. کارگران همچنین از شهرداری و اداره کار شهرستان شوش خواستند که نسبت به کارگران این جایگاه‌ها بی‌تفاوت نباشند و با بازرسی از وضعیتِ کارگران این جایگاه‌ها، اجازه‌ی تضییع حقوق کارگران را به پیمانکار ندهند.



## ستون اخبار کارگری

### و حرکتهای اعتراضی ...

به شعبه ۱ اجرای احکام زندان اوین ارسال شد. آئینشا اسداللهی، معلم و مترجم رسمی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی، بابت دو اتهام اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام به پنج سال و هشت ماه حبس تعزیری محکوم شد که این حکم اولیه در دادگاه تجدید نظر عیناً تایید و به شعبه ۱ دادگاه مقدس (اوین) ارسال گردید. قابل ذکر است هنوز نامه معرفی به زندان به ایشان ابلاغ نشده است. در اردیبهشت ۱۴۰۱ آئینشا اسداللهی، معلم، مترجم و فعال کارگری، به همراه همسرش کیوان مهدی و تعدادی از معلمان و فعالین کارگری، از جمله اعضای سندیکا، در پرونده موسوم به دو فعال سندیکایی فرانسوی دستگیر شدند. ایشان با قید وثیقه به طور موقت آزاد شد و همسر ایشان، کیوان مهدی، همچنان با گذشت بیش از یکسال در کنار دیگر معلمان و کارگران در زندان به سر میبرد و از آزادی ایشان ممانعت می‌شود و با احکام سنگین مواجه است.

#### درخواست فوری عفو بین‌الملل: جان مجاهد کورکور در خطر است؛ حکم اعدام باید متوقف شود

حکم اعدام مجاهد کورکور در شرایطی صادر شده است که متهم از حداقل حقوق قانونی، از جمله حق دسترسی به وکیل انتخابی، محروم بوده است. سازمان عفو بین‌الملل بار دیگر ضمن اشاره به ایرادهای حقوقی بسیاری که در پرونده مجاهد کورکور وجود دارد، درباره اجرای قریب‌الوقوع حکم اعدام این متهم سیاسی در ایران هشدار داد و خواهان لغو حکم قطعی دادگاه و آزادی او شد. در این بیانیه، بار دیگر دستگاه قضایی جمهوری اسلامی به شکنجه و نقض ابتدایی‌ترین حقوق محکومان به اعدام، متهم شده است.

#### خودکشی مهدی صادقی تنها چند روز پس از آزادی از زندان

مهدی صادقی، جوان ۲۵ ساله اهل ایلام که طی روزهای اخیر از زندان آزاد شد، با مصرف دارو در کنار برج آزادی در تهران به زندگی خود پایان داد. وی حدود ده روز قبل پس از بارها بازداشت و محکومیت و تحمل شکنجه‌های بسیار روحی و جسمی از زندان ایلام آزاد شده بود. آقای صادقی پیشتر نیز در تاریخ بیستم مهر ماه ۱۴۰۱ نیز به مدت ۴۲ روز به اتهامات "اقدام علیه امنیت ملی، اخلال در نظم عمومی و تحریک و اغوا صحنه تظاهرات" بازداشت شده بود. وی پس از پنج روز بازجویی و شکنجه در بازداشتگاه اداره اطلاعات به زندان مرکزی ایلام منتقل و در تاریخ دوم آذر ماه با وثیقه به صورت موقت آزاد شده بود. این شهروند بهمن ماه گذشته توسط شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو ایلام به شش ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق و دو سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شد. او اسفند ماه گذشته برای بار دوم بازداشت شده بود.

#### ایران‌شهر، عدم دسترسی به آب، برق، گاز، نان

ازدحام مردم چاه جمال ایران‌شهر در صف طویل نانوایی در هوای گرم ۵۰ درجه: اخیراً مردم در همه شهرهای سیستان و بلوچستان با کمبود نان مواجهند به طوری که شهروندان ساعت‌ها باید در صف‌های طویل برای تهیه چند قرص نان مورد نیاز معطل بمانند.

#### خودکشی دسته‌جمعی یک خانواده در لرستان

روز شنبه، دهم تیر ما ۱۴۰۲، یک زن در شهر دورود

تعلیق محکوم شدند، در حالی که کمیته بدوی بدون حضور آنها و زمانی که در بازداشت بوده‌اند برگزار شده است. احکام علی‌سعدی و علیرضا نادری از نیمسال دوم اجرا شده‌اند. این دانشجویان آبان ماه گذشته بازداشت شدند و اکنون به قید وثیقه آزاد هستند.

#### دومین جلسه‌ی دادگاه توماج صالحی برگزار شد

حساب توثیری منتسب به توماج صالحی از برگزاری دومین جلسه دادگاه او در صبح ۱۱ تیر و در پشت درهای بسته خبر داد. طی این جلسه که در شعبه یک دادگاه کدای اصفهان به ریاست قاضی براتی برگزار شد، توماج را از بابت اتهامات "افساد فی‌الارض، تبلیغ علیه نظام، همکاری با دولت متخاصم، اغوا یا تحریک مردم به جنگ و کشتار با یکدیگر و توهین به رهبری" محاکمه کردند. رئیس‌ان، وکیل توماج، در ارتباط با این جلسه گفت: "امروز دادگاه به ریاست براتی برگزار و در نهایت ختم رسیدگی از سوی دادگاه اعلام شد. براین اساس دادگاه مبادرت به صدور رای خواهد کرد و تصمیم بر اساس قانون در یک هفته به ما ابلاغ خواهد شد". محاکمه‌ی توماج در حالی صورت گرفت که او را بعد از دستگیری و طی بازجویی مورد ضرب و شتم قرار دادند. به طوری که پا و چشم راست او دچار آسیب شد. توماج همچنان بدون دریافت درمان از جراحات وارده رنج می‌برد. به وان ری، کفیل سیاسی توماج در توثیر خود نوشت: "دومین جلسه دادگاه نیز به صورت مخفیانه برگزار شد. رژیم از چه می‌ترسد؟"

#### تائید حکم اعدام عباس دریس

فرشته تابانیان، وکیل عباس دریس، کارگر زندانی و از معترضان آبان ۹۸، در توثیر خود از تائید حکم اعدام موکلش در دیوان عالی کشور خبر داد. فرشته تابانیان نوشت: "حکم اعدام موکلم عباس دریس در شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور به اتهام محاربه بدون توجه به ایرادات ذکر شده تائید شد. از این حکم اعاده داری خواهم کرد. متأسفانه حتی این حکم به من ابلاغ نشد و من از طریق ابلاغ استحضاری شعبه اول دادگاه انقلاب ماهشهر متوجه شدم". از اتهامات عباس دریس که در تاریخ ۱۷ آذر ۱۳۹۸، به دست ماموران اطلاعات بازداشت شد قتل عمد یک مامور نوپو در جریان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ بود. حکم اعدام در شرایطی صدور یافته است که پیشتر وکیل او گفته بود که موفق شده رضایت ولی‌دم را بگیرد. جان عباس دریس در خطر جدی است. صدای او و صدای فرزندان ما باشیم.

#### حکم بدوی دادگاه تجدید نظر آئینشا اسداللهی تایید شد

حکم بدوی دادگاه تجدید نظر آئینشا اسداللهی فعال کارگری عیناً تایید و

## ستون اخبار کارگری

### و حرکتهای اعتراضی ...

لرستان، به دلیل فقر و عدم توانایی در پرداخت اجاره خانه، اقدام به خودکشی دسته‌جمعی از طریق مسمومیت دارویی کرد. گزارش‌ها حاکی از آن است که سه فرزند او در این فاجعه انسانی جان باخته‌اند و خود نیز در کما به سر می‌برد. هزینه‌های سرسام‌آور زندگی در سال‌های اخیر و به ویژه قیمت‌های افسارگسیخته در بازار مسکن، عرصه زندگی را برای تهیدستان بیش از پیش تنگ کرده و گاه به قیمت جان آن‌ها تمام می‌شود: از تهیدستانی که برای بر خورداری از یک زندگی حداقلی به مشاغل طاقت‌فرسا روی می‌آورند و در جاده‌ها و کوه‌ها کشته می‌شوند، تا کسانی که هیچ راهی برای گذران زندگی نمی‌یابند و برای خلاصی از این شرایط فلاکت‌بار، دست به خودکشی می‌زنند. تنها در یک روز، یک زن در لرستان که از شدت فقر به شغل خطرناک «شوتی‌گری» روی آورده بود، در اثر تعقیب پلیس، تصادف می‌کند و جان خود را از دست می‌دهد و زنی دیگر، باز هم از لرستان، برای رهایی از فقر، خود و فرزندانش را به دست مرگ می‌سپارد. چنین هم‌زمانی‌ای صرفاً یک تصادف نیست، بلکه جمهوری اسلامی با گسترش روزافزون دایره و شدت فقر، به طور سیستماتیک به کشتار تهیدستان مشغول است.

\*\*\*



### بی بی سی،

### کمیته حقیقت یاب سازمان ملل، زندانیان سیاسی در ایران

#### سیاوش دانشور

بی بی سی از پوشش زنده گزارش "کمیته حقیقت یاب سازمان ملل متحد" در باره "نقض حقوق بشر حکومت ایران در برخورد با معترضان" صحبت میکند. معترضان اسم بی آزار زنان و مردان انقلابی است که قریب هزار نفرشان قتل عام شدند و هنوز هزاران نفرشان در شکنجه گاه های اسلام اسپرند. سوال اینست که وقتی در متن برآمد انقلابی همین دولتها با جمهوری اسلامی معامله میکنند، چرا مجدداً بازی با کارت حقوق بشر آنهم در اوج مذاکرات و بده و بستان شروع شده است؟

من یکی هر وقت اسم حقوق بشر وسط می آید یاد بازار مکاره می افتم. کدام بشر؟ کدام حقوق؟ شرم هم خصلتی انسانی است. لیستی طولانی از بده بستان دول غربی با جمهوری اسلامی در همین یکی دو ماه اخیر داریم؛ از حمله به نیروهای اپوزیسیون و همکاری همین دولتهایی که در سازمان ملل نقش قلدر محل را بازی میکنند تا ایجاد محدودیت برای اعتراض به همین "ناقصان حقوق بشر"، از تحویل تروریستها و آزاد کردن دلار و تزریق پول به حکومت خامنه ای تا سکوت مرگبار در باره اعدام ها و سرکوب جوانان و مردمی که آزادی میخواهند.

این دکان حقوق بشر اسم رمز است. بشر و حقوقش تابعی از منافع سرمایه داران و دولت هایشان است. اگر در جدال و تناقض منافع دولتها این منفعت به هر دلیلی زیر سوال برود، موقتاً پرونده خاک خورده حقوق بشر از کشورهای اعمال فشار بیرون می آید و هر وقت توافقات بجایی رسید دوباره غیب میشود. بشر و حقوق اش ابزار اعمال فشار در جنگ منافع دولتها است. بشر واقعی برای اینها مفت نمی ارزد، بویژه اگر از کشورهای استبدادی و موسوم به جهان سوم باشد. سیاست بی بی سی هم تابعی از منافع دولت متبوعش بریتانیا در ایران است و با ساز این منافع می رقصد. روزی اصلاح طلب و آخوند را برجسته میکند، روزی اپوزیسیون راست و روزی حقوق بشر.

بشر و حقوق اش، حتی در همان محدوده محقر بورژوازی، در این میان بی تقصیر است و مرتب مورد آزار و معامله و تعرض فیزیکی و روانی اند. بهتر نیست این دمکرات های ضد بشر دست از سر بشر کاذب و حقوق کاذب ترش بردارند و جام هایشان را با خامنه ای و رئیسی ها سر بکشند؟ عوامفریب های آخوند و اسلام زده!

#حقوق\_بشر

#نه\_روسی\_نه\_توسری\_آزادی\_و\_برابری

#جمهوری\_اسلامی\_نمیخوایم\_#حجاب\_بی\_حجاب

۵ جولای ۲۰۲۳

### به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست کمک

### مالی کنید!

اعدام قتل عمد دولتی است!

## «نوفل لوشاتوی رضا پهلوی و داستان کمیک

### اپوزیسیون راست»

#### سیمرا دولشاهی

همه این جمله را ممکن است از مارکس نقل کنند که؛ «تاریخ دوبار تکرار می‌شود» اما متوجه نمی‌شوند که مارکس در این جمله معروف خود به طعنه عدم امکان تکرار نعل به نعل تاریخ را گوشزد می‌کند. نه تنها تاریخ دوبار تکرار نمی‌شود، که حتی بازآرایی نقش‌های تاریخی نیز آنچنان که مارکس در آثار سیاسی و در تحلیل طبقاتی خود نشان می‌دهد دوبار میسر نخواهد بود. این اصل عام دیالکتیک از زمان هر اکلیتوس که «نمی‌توان در یک رودخانه دو بار پا گذاشت، چرا که هنگامی که برای بار دوم از آن عبور می‌کنیم، دیگر نه آن رودخانه رودخانه قبلی است و نه تو آن آدم قبلی!» «همچنان پابرجاست. در این میان این ذهن‌های تنبل متعلق به جنبش‌های تاریخ مصرف گذشته هستند که به تکرار علاقه دارند. تکرار و تقلید به درستی یکی از خائمان‌سوزترین آفت اندیشه بشری است.

به همین علت است که باوجود آنکه کلیه شعارها و سرودهای برآمد انقلابی ۱۴۰۱، وامدار و الهام گرفته از رخداد ناکام سال ۱۳۵۷ است، باز «زن، زندگی، آزادی» به مثابه آنتی‌تز ۵۷ باز هم تکرار ناخواسته آن بود و هر آنچه از کامیابی و دستاورد داشت، حاصل عدم تقلید از گذشته و هرچه شکست داشت محصول تقلید بی‌واسطه از گذشته بود.

هرچند کارزار مجازی سلطنت طلبان به‌عنوان قطب اصلی اپوزیسیون راست کارزار حمله و طرد و رد «۱۵۷‌ها» را در رسانه‌ها فریاد می‌زند. اما خود تا خرخره دقیقاً اسیر همان چیزهایی از ۵۷ است که ۵۷ را به یک انقلاب شکست خورده بدل ساخت.

منصور حکمت در سال ۱۳۷۴ در فصل‌نامه نقطه یادداشت خوبی را در پاسخ به آنان که از پشیمانی قیام و انقلاب صحبت می‌کنند، در چهارچوب متن نه چندان بلند اما دقیقی به نام «تاریخ شکست نخوردگان» از خود بر جای گذاشته است:

"شاید برای بعضی عاقبت نافرجام انقلاب ۵۷ در روند "نو اندیشی" نقش داشته است. اما نه وسعت این ندامت و نه تلخی لحن و هیستری نواندیشان امروز، هیچ‌یک را نمی‌توان با ناکامی انقلاب ۵۷ توضیح داد. انگار کنار پلی نشسته‌اید و بازگشت لشگر شکست خورده‌ای را می‌بینید. غیر قابل انتظار نیست که این شکست خوردگان را محزون، مبهوت، ساکت و افسرده ببابید. اما این جماعت مشت گره کرده اند. وقتی دقیق تر گوش میکنید، میبینید انگار دارند سرودی را زمزمه میکنند، آری، اشتباه نمی‌کنید، این‌ها دارند به جنگ می‌آیند، به جنگ "سرزمین" و "اردوگاه" و "قلعه" خود، یا به هر حال آنچه خود روزگاری چنین پنداشته و نامیده بودند. این‌ها دارند برای انتقام از "خود" و "خودی‌های" دیروز برمی‌گردند. برای کسی که از داخل قلعه به بیرون نگاه می‌کند، این حتما منظره هولناکی است! کمتر انقلاب ناکام و جنبش شکست خورده‌ای چنین تلخ توسط مشتاقان

دیروزش بدرقه شده است. انقلاب مشروطیت، جنبش ملی شدن صنعت نفت، دوران حکومت آئنده، انقلاب پرتقال، اعتصاب معدنچیان انگلستان، برای مثال، همواره احترام زیادی نزد پیش‌کسوتان و شرکت کنندگان خود داشته‌اند".

حکمت به‌طور خلاصه علت روند "نواندیشی" میان چپ و انقلابیون سابق و شرمندگی از انقلاب، جنبش و قیام را بیش از شکست، به شرایط عامی وابسته می‌داند که در آن برهه زمانی همان فروپاشی بلوک شرق بود.

در اینجا نیز برخی تحلیل‌ها از شکست برآمد انقلابی ۱۴۰۱ سخن می‌گویند. قطعا از کمبودهای ایندوره میتوان سخن گفت اما برآمد انقلابی هنوز در آغاز راه است و دستاوردهای مهمی داشته است. در اردوی راست اما داستان فرق میکند. نیروهای اپوزیسیون راست اصالتاً ضد هر انقلابی بودند و حرکت انقلابی تحمیلی به آنان بود. همینطور مهمترین نکته این بود که هیچ خوانایی با شعارها و اهداف و آمل نیروی انقلابی نداشتند. هیچ رابطه یک به یکی با جنبشهای مطرح و آزادیخواه نداشتند و به همین اعتبار هیچ حرکت ایندوره انعکاسی از حضور عینی و مادی آنان نبود. لذا لابیگری و پناه بردن به دولتها، دولتهایی که یار غار جمهوری اسلامی اند، به اول و آخر استراتژی شان بدل شد که در این هم بجایی نرسیدند.

این یکی از پایه‌ای‌ترین آموزه‌های مارکسیسم و بطور مشخص کمونیسم به روایت منصور حکمت است که احزاب و سازمان‌های سیاسی بی‌واسطه با طبقات اجتماعی ارتباط نمی‌گیرند بلکه از رهگذر جنبش‌های اجتماعی، ربط میان احزاب و سازمان‌ها و جریانات سیاسی با طبقات مختلف جامعه و سوخت و ساز آن ایجاد می‌شود. در اینجا یک واسطه دیگر نیز میان جنبش‌های اجتماعی و احزاب و جریانات سیاسی فعال وجود دارد و آن نیز شکل سازماندهی، نوع ربط و پیوند رهبران عملی هر جنبش با بدنه و نوع ارتباط است.

ضربات شدید جمهوری اسلامی به تمامی گروه‌های مخالف خود در فاصله ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ شاید آن بازوهایی که مابین گروه‌های سیاسی و جنبش‌های اجتماعی بود را قطع کرد، اما شرمندگی اپوزیسیون راست از اینجاست که در این مدت روی اسب ظاهراً برنده‌ای سرمایه‌گذاری کرده بود و آن اسب «جذب حمایت سیاسی کشورهای غربی و مخالف رژیم جمهوری اسلامی» است. این اسب برنده قرار بود اپوزیسیون بی‌ربط راست به روند انقلابی را در برابر چپ اجتماعی تجهیز کند و با یک «دوپینگ سیاسی» جای خالی بازوهای متصل کننده حزب و جامعه، و نیروی سیاسی با جنبش اجتماعی را پر کند.

اگر سازمان مجاهدین خلق و جریانات سلطنت طلب و ناسیونالیسم قومی هیچ بازوی اتصالی قابل اتکا جز «رسانه» و «فضای» مجازی نداشتند، در عوض این جریانات با کمک آمریکا، قدرت‌های اروپایی، ناتو، دولت عربستان و دولت اسرائیل، قرار بود از تنش بین رژیم و این دولت‌ها بهره‌برداری کنند. با این بهره‌برداری - که به مدد جنگ روسیه و اوکراین و افزایش تنش‌های چینی‌ها با آمریکا و همپیمانانش در دریای چین جنوبی چهار قبضه به نظر می‌رسید- قرار بود جای خالی رهبران عملی داخل کشور پر شود.

قرار بود جای خالی مدل‌های سازمان‌یابی، شیوه‌های

تفنگ، گل خواهد بود که پشت صحنه یک «کنفرانس گودالوپ» در جریان باشد. امری که دقیقاً عکس آن در جریان بود یعنی همراهی و بند و بست با جمهوری اسلامی!

لیخندهای آقای مکرون برای علی‌نژاد و دیدارها با سناتورها و برگزاری نشست با مایک پنس و پمپنو و دیگران در نشست سراسری پاریس مجاهدین، این روزها تنها یک معنای سیاسی دارند؛ دادن دل‌گرمی به بیزنسن‌های سیاسی و استفاده از آنها بعنوان کارت فشار بر رژیم برای مذاکرات.

اگر دیروز نگرانی از این بود که با سناریوی سیاه جدید، باید منتظر پل برمرها و بعد جلال طالبانی‌ها و نوری المالکی‌های "خودمان" باشیم، امروز نگرانی از زد و بندهای پشت صحنه‌ای است که دیگر حتی برای پهلوی هم راهگشا خواهد بود. انبوه شبکه‌های درون نهادهای نظامی و انبوه طرفداران خمینی در بین رده‌های میانی ارتش در سال ۵۷ اکنون جای خود را به عشق یک طرفه آقای پهلوی به سپاه پاسداران و کرشمه‌های فاقد خریدار ایشان داده است.

بحث بر سر این است که یک کشور با نظام مبتنی بر تولید سرمایه‌داری و حکومتی که همه اهتمام رهبرانش «رفع موانع تولید» برای صاحبان سرمایه است و چندین سال با این نام طبقه کارگر در ایران و کل جامعه را زیر فشار له کردند، برای زیبایی چشم لبنان و فلسطین و مردمی صد پشت غریبه‌تر خود را به کشتن نمی‌دهد و در بازی جهانی به موقع به نحوی بازی می‌کند که استراتژی و گزینه بقا به او دستور می‌دهد. داروستانه‌های مسلح جمهوری اسلامی در داخل و خارج تنها وظیفه حفظ مناسبات و دفتر و دستک همین بورژوازی را دارد و به همین خاطر است که وقتی بندر لاذقیه به دست نیروهای مسلح جمهوری اسلامی افتاد، اتاق بازرگانی وابسته به همین رژیم که پارلمان بورژوازی غرب‌گرا و غیر نظامی این کشور است، هوراکشان هیئت‌های تجاری و بازرگانی خود را به این بندر در سوریه می‌فرستد.

این رژیم دقیقاً برای بقای خویش "محور مقاومت" ایجاد و آنرا در شعارهای عظمت‌طلبانه و اسلامی بسته بندی میکند. این ادای عظمت طلبی رژیم اسلامی در سال‌های اخیر ابزار تحمیق بخش زیادی از اپوزیسیون دست راستی را فراهم کرده است. گویی با مشت‌های احمق طرف هستند که ممکن است در واپسین لحظات انقلاب دلشان به رحم بیاید و بگذارند بجای قصابی جوانان در وسط خیابان روی لوله‌های کلاشینکوف و تفنگ‌های ساچمه ز نشان شاخه گل بنشانیم!

تا زمانی که پای مسئله انباشت سرمایه و روند انقراض ارزش اضافی مطرح باشد، هیچ گلی نمی‌تواند روی اسلحه‌ای قرار بگیرد و هیچ قدرت امپریالیستی‌ای با بمباران و موشک باران به کسی لطف نمی‌کند. جالب اینکه همان کسانی که در بهر دنیال ملاقات با مقامات رده چندم یا بازنشسته بودند، امروز می‌گویند که ما از اول روی نیروهای داخل و روی مردم متکی بوده‌ایم و فرایندهای سیاسی جهانی خللی در کارمان ایجاد نمی‌کند! نشانه دروغ ایشان اینجاست که برعکس چندماه به علنی شدن مذاکرات کرکره شورای همبستگی‌تان پایین کشیده شد و به‌عنوان مجمع آرایش‌گران بیکار برسر ریاست به جان هم افتادید.

تا جایی که به طبقه کارگر جامعه ربط پیدا می‌کند،

## «نوفل لوشاتوی رضا پهلوی و داستان کمیک

### اپوزیسیون راست...»

تسخیر قدرت از طریق کار سازمان یافته و همه هزار و یک ابزاری که برای پیروزی یک انقلاب لازم است و تنها یک حزب سیاسی انقلابی می‌تواند آن را فراهم کند، با پول، حمایت رسانه‌ای، حمایت تسلیحاتی و تبلیغاتی، فشار سیاسی و... پر شود تا اپوزیسیون دست راستی و بی‌ربط به واقعیت‌های جامعه، در مقابل بدنه خود بگوید که کاری کرده است. این تمام آن سرویسی بود که خانم رجوی و آقای پهلوی و حتی آقای عبدالله مهتدی می‌توانستند به حامیان خود تقدیم کنند.

اما بخش تلخ ماجرا (برای اپوزیسیون راست) این بود که توهم مواجهه با یک رژیم «سرتاپا ایدئولوژیک» و «وفادار به آرمان‌ها و ارزش‌ها» باز در هم شکست و با ترک مخاصمه با عربستان، کاهش یا توقف موقت فعالیت‌های نیابتی در منطقه، کاهش تنش با اسرائیل و شروع مذاکره مخفی با آمریکا، اروپا و آژانس اتمی، تمامی توهمات و حسابگری‌های راست یک شبه بر باد رفت.

آقای پهلوی که خود را در حال مقابله با هر نوع نشانگان بهمن ۱۳۵۷ در صحنه سیاست جانمایی می‌کند، به شکل ناخودآگاه از هر نوع تکرار نوستالژی ۵۷ای استقبال می‌کرد. از فرمت دیوار نویسی و شعارهای شبانه تا فرم‌بندی سرودها و نمادهای انقلابی، تا جایگاه خودش به‌عنوان شخص فراجناحی مثل روح الله خمینی و ایجاد رابطه روحانی و قدسی با بدنه اجتماعی سلطنت طلبان، همه و همه تکرار مبتدل و خاطره بازی با سیر رویدادها در انقلاب ۵۷ بود.

اینجا باز هم باید از مارکس به خاطر بیاوریم:

"حتی هنگامی که انقلابیون می‌خواهند همه چیز را دگرگون کرده و چیزی یکسره نو بیافرینند، درست در همین دوره است که ... از ارواح گذشته مدد می‌طلبند؛ نام‌هایشان را به عاریت می‌گیرند... و با این زبان عاریتی بر صحنه جدید تاریخ ظاهر شوند. به همین ترتیب بود که لوتر نقاب پولس رسول را به چهره زد؛ انقلاب فرانسه تا ۱۸۱۴ به تناوب یکبار جامه جمهوری رم و بار دیگر رخت امپراطوری روم را بر تن کرد و انقلاب ۱۸۴۸ نیز کاری بهتر نیافت که ادای انقلاب کبیر ۱۷۸۹ را در آورد و گاه ادای رویدادهای انقلابی ۱۷۹۳ تا ۱۷۹۵ فرانسه را در می‌آوردند. آدم‌هایی چون ... دانتون، روبسپیر و ناپلئون، از قهرمانان گرفته تا مردم در انقلاب فرانسه در لباس رومی... کاری کردند که لازمه خودشان بود؛ تاسیس و شکوفاندن جامعه‌ی بورژوازی...» (هجدهم برومر...، ترجمه باقر پرهام، ص ۷۷، ص ۱۳).

در این میان، بدبختی آقای پهلوی (و بعدا خانم رجوی و مسیح علی‌نژاد) این بود که کمدی نوفل لوشاتوی نتوانست بجای واقعیات پیچیده بنشیند، نمیتوان تخیل را بجای واقعیت گذاشت. هرچند این بار هم برخلاف انقلابیون که سیاست صریح انحلال نیروهای مافوق مردم از ارتش و سپاه و غیره را دارند، دوباره از مردم خواستند مانند ۱۳۵۷ برسر لوله‌های تفنگ گل بگذارند، اما به این توجه نکردند که زمانی پاسخ لوله

## «نوفل لوشاتوی رضا پهلوی و داستان

### کمیک اپوزیسیون راست» ...

غریزه طبقاتی این بخش از جامعه خوب کار کرد و مستقل از سوخت و ساز و فراز و نشیب بازی‌های رسانه‌های مسلط راست، اعتراضات همه گروه‌های اجتماعی از معلم و بازنشسته تا کارگر و زحمتکش ادامه پیدا کرد.

بازوهای تبلیغاتی راست در داخل و خارج البته تلاش کردند با متهم کردن بخش‌های جدی و فعال جامعه به «صنفی بازی» و «اعتراض بی‌خطر» همزمان گرای امنیتی بدهند و هم تلاش کنند تا رهبران عملی طبقه کارگر و انقلابیون را به مسلخ ببرند تا فضا برای راست افراطی بازتر شود. اما همان غریزه طبقاتی و هوشیاری انگشت در چشمان نمایندگان سرمایه‌داری کرد و مانع از این شد که جوانه‌ها در نطفه خفه شوند.

اپوزیسیون ورشکسته راست در پایان ممکن است فریاد برآورد که «خودتان پس چه کردید؟ این گوی و این میدان! بازی کنید» اما این لشگر هرگز در جریان نیست که بازی ما تازه شروع شده است. برعکس شما، کل روند انقلابی و نیروی اجتماعیش با ما خوانایی دارد. پاسخ ما برابر این جریان و مونتفلین حاشیه‌ای و غیراجتماعی که در میدان «وحدت اپوزیسیون» بازی می‌کنند، تنها دعوت به مبارزه متشکل و متحزب است. اولین فراخوان ما پیوستن به حزب سیاسی جدی و انقلابی خود جامعه و در وهله دوم، فراخوان به مبارزه متشکل و سازمان یافته است؛ تحزب و سازمان‌مندی‌ای که پویایی و تداوم تعرضات پیگیر و طولانی مدت جامعه در کردستان و بلوچستان، محصول آن بود. سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی از مسیرهای طی شده و شکست خورده قبلی همان تاریخ زندگی سیاسی شکست خوردگان است، اما ما از مسیرهای جدید و تاریخ شکست نخوردگان می‌گوییم. حزب ما حقانیت تاریخی خود را از تحلیل درست وقایع و «آموزش» تحلیل درست وقایع به جامعه و عمل به تحلیل درست از طریق رهبران عملی خود بدست می‌آورد نه از پیروزی در همین لحظه و برآوردن انتظارات آنی اپوزیسیون راست!

حکمت در تاریخ شکست‌خورده‌گان به درستی نوشت: "انسان همیشه از درچه امروز به گذشته می‌نگرد و در آن در جستجوی یافتن تائیدی بر اراده و عمل امروز خویش است. نواندیشان ما نیز در نگاه به انقلاب ۵۷، در پی برافراشتن پرچمی در ایران ۷۵ (سال نگارش یادداشت) هستند. اما این پرچم همیشه وجود داشته است! اینکه هر بار چه کسی، با چه تشریفات و با زمزمه چه اوراد و آیاتی، زیر این پرچم حضور به هم می‌رساند مساله‌ای ثانوی است."

## یاد رفیق منصور حکمت گرامی است!



### سیاوش دانشور

روز ۴ ژوئیه، سالروز درگذشت کمونیست برجسته و رفیق عزیزمان منصور حکمت است. فقدان او برای خانواده اش یک تراژدی هولناک بود. برای جنبشی که او تصویرساز و رهبر انقلابی و سازش ناپذیر آن بود، ضربه ای عمیق و غیر قابل جبران بود. درگذشت منصور حکمت بسیاری را در اردوی دشمنان کارگر و کمونیسم از سران رژیم اسلامی تا ارتجاع ضد کمونیستی به وجد آورد. همزمان در صفوف کارگران و کمونیست‌هایی که کمونیسم را نه با روایات ناسیونالیستی و دمکراتیک بلکه به روایت مارکسی و کارگری درک و درونی کرده بودند، یک فاجعه تمام عیار بود.

زمانی منصور حکمت راجع به ضربات پلیسی سال شصت و کشتار هم‌زمان و رفقای عزیزمان در سازمان اتحاد مبارزان کمونیست گفت:

"... توان و نیرویی که در آن ماجرا از دست دادیم به مراتب از آنچه باقی ماند بیشتر بود. انسانهای عزیز و کمونیست‌های فوق العاده برجسته و مستعدی از دست رفتند. چه در قلب تک تک ما و چه در عرصه سیاسی و مبارزاتی هنوز این حفره‌ها پر نشده و بنظر من هرگز نمیشود. مهم ترین عامل در پروسه تاریخی، خود انسان است و هر فرد نقش ویژه و غیر قابل جایگزینی‌ای میتواند در این پروسه بازی کند..."

این نگرش عمیق به نقش فرد در پروسه تاریخی و کشمکش طبقاتی در مورد خود او بیش از هر کسی صادق است. با درگذشت او حفره عمیقی ایجاد شد که هیچوقت پر نمیشود. با اینحال تأثیر عمیق و ردپای منصور حکمت در هر قلمرو جدی کشمکش سیاسی و طبقاتی جاری دیده میشود. هرچا کارگر و انسان معترض امروز به یک تغییر بنیادی، رادیکال و ریشه‌ای، به انتقادی اجتماعی و عملی انقلابی دست میزند یا حتی فکر میکند، آنجا منصور حکمت حاضر است. منصور حکمت امروز در میان ما نیست، اما او به آینده تعلق دارد، به جنبش کمونیستی طبقه کارگر برای امحای سرمایه داری.

یاد رفیق منصور حکمت، ژوبین عزیز و دوست داشتنی، پرچمی که برافراشت در صف مبارزه کمونیستی کارگری ما همواره گرامی و جاودان است!

۴ ژوئیه ۲۰۲۳

## به حزب کمونیست کارگری

### ایران - حکمتیست کمک مالی کنید!

## در پایان یک روز غم انگیز

رحمان حسین زاده

امروز چهارم ژوئیه، یادآور روز تلخ و غم انگیز درگذشت نابہنگام مارکسیست برجستہ و زبان رسای پرولتاریای آگاہ، رھیربا صلابت جنبش ما، جنبش کمونیسٹ کارگری است. در پایان امروز با دلنتگی تمام و بہ یاد این انسان بزرگ بخشی از مصاحبہ چند سال قبل را بازنشر میکنم.

**تلویزیون پرتو:** از مقطع کنگرہ دوم حزب کمونیسٹ ایران در سال ۱۹۸۶ میلادی مباحث کمونیسٹ کارگری مطرح شد. ضرورت این مباحث چہ بود؟ تفاوت نگاه منصور حکمت بہ کمونیسٹ با نگاه متداول آن زمان در جہان بہ کمونیسٹ چہ بود؟

**رحمان حسین زاده:** برای اولین بار در کنگرہ دوم حزب کمونیسٹ ایران در سال ۱۹۸۶ میلادی منصور حکمت مباحث کمونیسٹ کارگری را تحت عنوان "موقعیت و دورنمای حزب" مطرح کرد. اساس این مباحث از آنجا نشأت میگرفت کہ اولاً نقد و اعتراضی بہ کمونیسٹ آن دورہ حتی جناح رادیکال آن و کلاً کمونیسٹ موجود در سطح جهانی بود. کمونیسٹی کہ کم تأثیر و کم دخالتگر و کم قدرت بود و از آن جملہ نقدی بہ خود حزب کمونیسٹ ایران ہم بود، با ہر درجہ از فعالیت مثبت کہ داشت و خود منصور حکمت ہم در رأس آن حضور داشت. کمونیسٹ در تحولات سیاسی، در اجتماع و در جامعہ بی نقش و بی تأثیر بود. بہ این دلیل یکی از ضرورت های پایہ ای طرح مباحث کمونیسٹ کارگری در جواب بہ بی تأثیری کمونیسٹ و کم قدرتی آن و تلاشی برای نشان دادن علت این بی تأثیری بود. یک محور اساسی بحثش از جدایی کارگر و کمونیسٹ صحبت میکرد. میگفت در دورہ ما جدایی بین جنبش کارگری و جنبش کمونیسٹی و بین کارگر و کمونیسٹ وجود دارد. یعنی کمونیسٹی کہ نمی تواند بہ پایہ طبقاتی و بہ جنبش کارگری وصل شود، کمونیسٹ کارگری نیست. میگفت ما یک کمونیسٹی می خواهیم کہ اساساً بر بستر رشد جنبش طبقاتی و جنبش کارگری بتواند قدرت را بدست گیرد و با آن عجین و درگیر باشد. در دورہ لنین در انقلاب کارگری اکتبر، کارگر و کمونیسٹ با ہم چفت بودند و یکی بودند. حزب کمونیسٹی آن دورہ عجین شدہ با جنبش کارگری آن دورہ بود. اما بعد از شکست انقلاب اکتبر و از دورہ استالین کہ کمونیسٹ بہ زبان حال ناسیونالیسم در روسیہ و بعداً در چین و در کشورہای دیگر تبدیل شد شکافی اساسی بین کارگر و کمونیسٹ افتاد. در نتیجہ یکی از ضرورتہای مباحث کمونیسٹ کارگری از این زاویہ و برای پر کردن شکاف بین کارگر و کمونیسٹ و یکی کردن جنبش کمونیسٹی و جنبش کارگری در آن کنگرہ مطرح شد. آن مباحث مجموعہ ای مباحث سیاسی و نظری و اقدامات عملی و سازمانی بہ دنبال داشت. جمع بندی مباحث کنگرہ دوم حزب کمونیسٹ ایران بصورت چند مصاحبہ در نشریہ مرکزی حزب کمونیسٹ ایران وقت خودش منتشر شدند و اکنون ہم در منتخب آثار حکمت و در سایت حکمت ہم وجود دارد و قابل دسترس است.

سہ سال بعدتر و این بار بعد از کنگرہ سوم حزب کمونیسٹ ایران این

بار پختہ تر، نیزتر و انتقادی تر تمایز کمونیسٹ کارگری را با دیگر "کمونیسٹ های موجود" طرح میکند. در مارس ۱۹۸۹ اولین سمینار میانی کمونیسٹ کارگری را بہ طور جامع ارائه میکند. آنزمان شش سال از تشکیل حزب کمونیسٹ ایران می گذشت و منصور حکمت می گوید شش سال از عمر من بہ عنوان کمونیسٹ متشکل و



متخرب میگردد و می بینم در تغییر سرنوشت کارگر و جامعہ بی تأثیریم و اما می بینم آخوند با داستان "خر دجال" زندگی میلیونہا انسان را بہ خاک سیاہ نشاندہ اند اما ما بہ عنوان انسانہای کمونیسٹ بی تأثیر هستیم. باید بہ این بی تأثیری پایان داد. ضرورت دیگر طرح مباحث کمونیسٹ کارگری مشاہدہ اوضاع جهانی و بین المللی بود کہ بورژوازی ہار و کنسرواتیو نوع ریگان و تاچر در سطح دنیا عروج پیدا کردہ بود و در مقابل، بلوک سرمایہ داری دولتی شوروی کہ نام دروغین سوسیالیسم را یدک میکشید، در حال فروپاشی بود و ریگانیسم و تاچریسم میداناری میکردند و میبایست در مقابلش سنگربندی کمونیسٹی میشد. منصور حکمت مبحثی را بہ اسم اوضاع بین المللی و موقعیت کمونیسٹ در نوامبر ۱۹۸۸ سہ سال قبل از فروپاشی شرق و بعداً در کنگرہ سوم حزب کمونیسٹ ایران مطرح کرد و در آن پیش بینی می کند کہ اردوگاہ بہ اصطلاح سوسیالیستی شوروی و ہمہ اقمار آن فرو می پاشد و تمام می شود و این مجالی برای بورژوازی ہار بازار آزاد است تا تعرض وسیعی بہ بشریت و انسانیت و حق طلبی در عرصہ سیاست و معیشت و فرهنگ داشته باشد و عقبگردی را بہ جامعہ تحمیل کند. در این شرایط باید سنگربندی کرد و منصور حکمت در این راستا عنوان کرد کہ این اردوگاہ دروغین "سوسیالیستی" کہ ہیچ وقت سوسیالیسم نبودہ و ما از آن دفاع نکرده ایم، اما زمانیکہ بورژوازی ہار بازار آزادی آن را فرو می پاشاند و آن را بہ انتہا می رساند، این دستمایہ تعرض وسیع بہ طبقہ کارگر جهانی و بہ انسانیت و آزادیخواہی و برابری طلبی میشود. در نتیجہ با کاراکتر کمونیسٹ دورہ انقلاب ۵۷ و با مارکسیسم انقلابی و با اشل کوچک نمی توان سنگربندی محکم در مقابل این هجوم بزرگ بورژوازی داشت و یک کمونیسٹ بالندہ تر و سرزندہ تر و قدرتمند تر و جوابگو تر لازم است. کمونیسٹ کارگری با افق جهانی وسیعش و با ترسیم تفاوتها و تمایزاتش با کمونیسٹ بورژوایی جهانی و شاخہ های آن در آن زمان جوابی روشن بر مبنای دیدن اوضاع و شرایط آن زمان و دیدن فروپاشی اردوگاہ دروغین سوسیالیستی و پیامدہایش و تلاش برای سر برآوردن کمونیسٹ دخالتگر و موثر بود. منصور حکمت در تعریف کمونیسٹ کارگری می گفت این همان کمونیسٹ مارکس و مانیفست است. بعد از شکست انقلاب اکتبر و از دورہ عروج استالین بہ بعد، پدیدہ سوسیالیسم بہ روپوش ایدئولوژیک و سیاسی ناسیونالیسم روسی و چینی و آلبانی و ... تبدیل شد. ہمہ آنها ذرہ ای بہ منفعت طبقہ کارگر و آزادیخواہی و برابری طلبی ربط نداشتند. در نتیجہ کمونیسٹ کارگری منصور حکمت در آن دورہ تلاشی بود با جوابہای جدید در تمایز و تفاوت کامل با شاخہ های مختلف و دروغین سوسیالیسم بورژوازی کہ سوسیالیسم روسی و چینی و آلبانی و اروکمونیسٹ و تروتسکیسم و چپ نو و پوپولیستی و ... را در بر میگرفت. مارکسیسم

## در پایان یک روز غم انگیز ...

مفصل تحت عنوان مبانی کمونیسم کارگری، کار ارزان و کارگر خاموش، تحولات اروپای شرقی و چشم انداز سوسیالیسم کارگری، طلوع خونین نظم نوین جهانی و سیاست کمونیستی در مقابل آن، رویدادهای کردستان عراق و کمونیسم کارگری، پایان جنگ سرد و دورنمای سوسیالیسم کارگری، مصافهای کمونیسم امروز. اینها گزیده ای از ادبیات سیاسی منصور حکمت در آن دوره است که تا مقطع ایجاد حزب کمونیست کارگری ایران در سال ۱۹۹۱ نوشته شده است. بخش زیادی از ادبیات کمونیستی و کارگری منصور حکمت در دوره حزب کمونیست کارگری نوشته شده است که بعدا به آن میرسیم.

**تلویزیون پرتو:** مهمترین آثار تئوریک و سیاسی دهه پایانی فعالیت سیاسی منصور حکمت کدامند؟

**رحمان حسین زاده:** لیست همه را ندارم اما موارد برجسته اینها هستند. برنامه دنیای بهتر، سمینارهای دوم و سوم مبانی کمونیسم کارگری که مکتوب هم شده اند. مبحث مارکسیسم و جهان امروز و سلسله مباحث ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری و سلسله مباحث دمکراسی، تعبیر و واقعیات، مجموعه مباحث متعدد در مورد فروپاشی بلوک شرق و آلترناتیو کمونیستی، مباحثی در مورد کمونیسم و چپ در عراق و تشکیل حزب کمونیست کارگری عراق، سلسله مباحث بعد از عروج دوم خرداد و بررسی تحولات سیاسی ایران و نقد و افشای پدیده دوم خرداد، مبحث ضرورت استقلال کردستان عراق، مباحث حقوق کودک، سقط جنین و سلسله مباحث دنیا بعد از یازدهم سپتامبر گزیده ای از ادبیات دوره آخر فعالیت منصور حکمت است که در مجلد هشتم مجموعه آثار منصور حکمت وجود دارد. یکبار دیگر تکرار کنم مجموعه ادبیات و ماتریال مربوط به منصور حکمت در سایت او موجود است و از همه علاقمندان میخوام به آن مراجعه کنند.

\*\*\*

انقلابی و کمونیسم کارگری با همه اینها تفاوت و تمایز پایه ای داشت. حکمت کمونیسم کارگری را درست همانند مانیفست کمونیست جنبش اعتراض کارگر به نظم سرمایه و علیه کار مزدی تاکید میکرد. این در حالی است که بسیاری از سوسیالیست های دیگر مباحث خلق و امپریالیسم و ناسیونالیسم و پوپولیسم برایشان مطرح است که در آن دوره لباس کمونیسم را بر خود پوشانده بودند. کمونیسم کارگری که منصور حکمت آنرا بنیان نهاد در تمام زمینه ها و در افق و سیاست و پراتیک و در تحزب هم با کمونیسم جهانی آنزمان موجود و هم با شاخه های محلی آن در ایران تفاوت اساسی داشت.

**تلویزیون پرتو:** مهمترین ادبیات کمونیسم کارگری به قلم منصور حکمت تا مقطع جدایی از حزب کمونیست ایران کدام است؟

**رحمان حسین زاده:** مهمترین ادبیات آن مقطع در منتخب آثار و در ضمیمه های ۱ و ۲ آن منتشر شده است. به علاوه کتاب دست نوشته های منصور حکمت و کتابهای دیگری نیز هست. میتوان به آثار زیر اشاره کرد: تئوری دولت در دوره های انقلابی، مباحث شورا و سندیکا و تشکل های توده ای طبقه کارگر، سیاست سازماندهی ما در میان کارگران، زمینه های انحراف و شکست انقلاب شوروی، (خطوط نقد سوسیالیستی به تجربه شوروی)، ناسیونالیسم چپ و کمونیسم در ایران، استراتژی ما در جنبش کردستان، درباره احزاب بورژوازی، کمونیسم کارگری و فعالیت حزب در کردستان، مبارزه سیاسی و احزاب سیاسی، عضویت کارگری، اوضاع بین المللی و موقعیت کمونیسم، تفاوتهای ما که رساله بزرگ منصور حکمت و چهارچوب فکری و سیاسی کمونیسم کارگری به طور جامع است، اولین مبحث



زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

**آدرسهای تماس با حزب  
کمونیست کارگری - حکمتیست**

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

دبیر اجرایی

همایون گدازگر

[Homayon\\_1954@yahoo.de](mailto:Homayon_1954@yahoo.de)

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

[moradi.naser@gmail.com](mailto:moradi.naser@gmail.com)

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

[hosienzade.r@gmail.com](mailto:hosienzade.r@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

[sharifi.nader@gmail.com](mailto:sharifi.nader@gmail.com)

**PARLOW TV**  
تلویزیون پرتو  
رسانه تصویری حزب حکمتیست  
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به  
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:  
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،  
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

## زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در  
کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه  
و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر این شماره: سیاوش دانشور

[Siavash\\_d@yahoo.com](mailto:Siavash_d@yahoo.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

هفتگی  
کمونیست

سردبیر در انتشار ورد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر  
میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده  
باشند.

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست  
کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال  
آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و  
دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!